

شعر طنز (مرغ آهنگ جدایی ساز کرد)

مرغ آهنگ جدایی ساز کرد

ناگهان از سفره ام پرواز کرد

از فراقش قلب بشقابم شکست

قاشق و چنگال من در غم نشست

مرغکم رفتی تو از پیشم چرا

کردی از پیش خودت کیشم چرا

من به تو خیلی ارادت داشتم

حشر و نشری با کبابت داشتم

خاطراتت مانده در کنج اجاق

سوخت قلب دیگ تفلون از فراق

ران و بال و سینه ات یادش بخیر

قلب چون آینه ات یادش بخیر

با سس قرمز چه زیبا می شدی

خوب و دلچسب و دلارا می شدی

ای فدای ژامبون رنگین تو

سوپ های داغ و آن ته چین تو

ناز کم کن پیش ماها هم بیا

لطف کن ،یک شام، اینجا هم بیا  
دستمان از گوشت دور است ای نگار  
پس تو دیگر اشکمان را در نیار  
زندگی بی تو جهنم می شود  
سکته ،اسبابش فراهم می شود  
ای فدای قُد قُدایت باز گرد  
این دل و جانم فدایت باز گرد  
بی تو باور کن که مردن بهتر است  
از جهان تشریف بردن بهتر است  
تازگی از دیگران دل می بری  
هر که بامش بیش ،با او می پری  
در نبودِ هیکل زیبای تو  
دلخوشم با سنگدان و پای تو  
پس چه شد آن بال های خوشگلت  
لک زده است این دل برای شنسلت  
ذهن یخچالم پُر است از یاد تو  
باز گرد ای خوشگل تو دلبرو

شعر طنز تخم مرغ

تخم مرغی بود با شور و امید

خواست تا مرغانه ای باشد مفید

فرم استخدام را پر کرده بود

عکس هم همراه خود آورده بود

توی مطبخ از برای شرح حال

پشت هم کردند هی از او سوال:

کیستی تو، از کدامین لانه ای؟

بوده ای قبلاً در آشپزخانه ای؟

کی ز پشت مرغ افتادی برون؟

توی ماهیتابه بودی تاکنون؟

تجربه داری و فرزی در عمل

جای دیگر کار کردی فی المثل؟

داغ گشتی توی روغن یا کره؟

حل شدی در شنبلیله یا تره؟

با نمک فلفل بهم خوردی دقیق؟

خوب کف کردی شدی کلاً رقیق؟

پشت و رویت سرخ شد روی اجاق؟

باد کردی از فشار احتراق؟

تخم مرغ این حرف ها را که شنید

روی وحشت زرده اش هم شد سفید!

ژوری اینترویو هم بی مجال

لحظه‌ای غافل نمیشد از سوال:

گر "رزومه" داری و "سی.وی" بیار

ورنه بیخود آمدی دنبال کار

گر نداری توی کارت سابقه

ردّ ردّی گرچه باشی نابغه

گفت لرزان تخم مرغ بینوا

نیست قانون شما بر من روا

خوب من تازه ز مرغ افتاده ام

صفر کیلومترم و آماده ام

هر کسی کرده ز یک جایی شروع

میکند خورشیدش از یکجا طلوع

گر نه در جایی خودم را جا کنم

تجربه پس از کجا پیدا کنم؟

گر که مرواری نباشد در صدف

پس چگونه تجربه آرد به کف؟

گر که در میدان نرفته کره اسب

تجربه را پس چه جوری کرده کسب؟

گفت "شف" با او که زر زر کافیه!

بیش از این هم ماندنت علافیه

تخم مرغ هم اینقدر پر مدعا

دست به نطقش را ببین بهر خدا!

تجربه اول برو پیدا بکن

بعد فکر پخت و پز با ما بکن

تخم مرغ بینوا با قلب خون

آمد از آن آشپزخانه برون

رفت غمگین، صاف پیش مادرش

تا که گرما گیرد از بال و پرش

گفت مادر جان مرا هم جوجه کن

جزو باند جوجه های کوچه کنمرغ مادر گفت که دیر آمدی

پس چرا طفلم به تأخیر آمدی؟

من به تو گفتم بگیر اینجا قرار

تو خودت عازم شدی دنبال کار

مهلت جوجه شدن شد منقضی

پس چه شد کو کوپزی، نیمروپزی؟

تخم مرغ اشکش در آمد پیش مام

ماجرارا گفت از بهرش تمام  
گفت در نیمرو پزی گشتم کف  
چونکه از من تجربه میخواست شف  
سابقه یا تجربه با من نبود  
آشپزخانه مرا ریجکت نمود  
موعد جوجه شدن هم که گذشت  
آه مادر بچه ات بیچاره گشت!  
من از آنجا مانده، زینجا رانده ام  
فاتحه بر هستی خود خوانده ام  
رفت فرصت های عالی از کفم  
حال دیگر کاملاً بی مصرفم  
پس در این دنیا به چه چیزی خوشم؟  
میروم الان خودم را میکشم!  
گفت مادر: - طفلکم قدقدقا  
چند مدت صبر کن بهر خدا  
صبر کن طفلم بیاید نوبهار  
باز پیدا میشود بهر تو کار  
گرچه اکنون فرصت سرآمده  
تو نگو دنیا به آخر آمده

تخم مرغ آنجا به حال انتظار  
ماند تا از ره بیاید نوبهار  
عید نوروز، عید پاک آمد ز راه  
روی هر میزی بساطی دلبخواه  
شربت و شیرینی و قند و نبات  
تخم مرغ رنگ کرده در بساط  
روی میز خانه‌ی بانو بهار  
یک سبد مرغانه خوش نقش و نگار  
تخم مرغ ما نشستہ آن میان  
میفرشد فخر بر اطرافیان  
از همه خوشرنگ تر، خندان و شاد  
حرف های مادرش آمد به یاد:  
بهر هر کس در جهان قدقدقا  
هست یک جا و مکان قدقدقا  
نیست بی مصرف کسی قدقدقا  
هست امکان ها بسی قدقدقا  
هر کسی باید بیابد جای خود  
تا نهد جای مناسب پای خود  
پس تو هم توی مدار خویش باش

فارغ از مأیوسی و تشویش باش  
چون شبیه تخم مرغ است این کره  
روز و شب گردش کند بی دلهره  
خود تو هم هستی عزیزم بیضوی  
در مدار خویش گردش کن قوی  
زندگی زیباست، زیبایش ببین  
هم ز پائین، هم ز بالایش ببین  
تخم مرغ ما ز پند مادری  
شادمان لم داد آنجا یکوری  
گفت گر مطبخ به من میداد کار  
در کجا بودم کنون ای روزگار؟  
گشته بودم جوجه گر روی حساب  
ای بسا که میشدم جوجه کباب  
پس چه بهتر که بد آوردم زیاد  
حال راضی هستم و ممنون و شاد